روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

یکشنبه ۴ مرداد ۱۳۹۴ ■ ۹ شوال ۱۴۳۶ ■ ۲۶ جولای ۲۰۱۵ ■ سال هفتم ■ شماره ۱۶۵۶ ■ ۱۶ صفحه ■ ۱۰۰۰ تومان

■ سال دولت و ملت، همدلی و همزبانی

VATAN-E-EMROOZ ■ VoL.07 ■ No.1656 ■ Sun.Jul.26, 2015 ■ ISSN:2008-2886

شاخص کل ۶۰۷ واحد دیگر کاهش یافت

بورس به توافق اعتماد ندارد

صفحه ۱۶

اهمال هواشناسی در پیش‌بینی سیل

صفحه ۴

فوادایزدی: متن برجام همه محورهای مصوبه هسته‌ای مجلس را نقض کرده است

جمع‌بندی خلاف قانون

صفحه ۲

پاورچین!

آیا خط قرمز بازرسی از مراکز نظامی ایران در توافق محرمانه با آژانس نقض شده است؟

صفحه ۲

عکس: ایرنا

تیترهای امروز

انتقاد نادران از عدم وصول سؤال از وزیر نفت توسط هیأت رئیسه مجلس

سؤال کرسنتی در بن‌بست

■ درس پرونده کرسنت برای ماجرای هسته‌ای

صفحه ۲

گزارش «وطن امروز» از آخرین وضعیت قیمت گذاری خودرو

بازمی‌خواهند خودرو گران شود

صفحه ۳

توافق نفت را ارزان‌تر می‌کند

صفحه ۳

غرب، ترکیه را به جهنم می‌فرستد

پایان آتش‌بس پ‌ک‌ک با دولت

صفحه ۱۵

خبر

مهرداد بذرپاش:

برای مقابله با آدمکش‌های منطقه باید مجوز بگیریم!

مهرداد بذرپاش، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، درباره متن جمع‌بندی مذاکرات و نکات مربوط به آن توضیحاتی ارائه کرد. بذرپاش در گفت‌وگو با جام جم گفت: موضوع توافق هسته‌ای کاش قبل از اینکه با قطعنامه شورای امنیت مورد تایید قرار می‌گرفت، مجاری تصویب خود را در کشور ما سپری می‌کرد. آن وقت لازم نبود کلیات آن رد یا تایید شود، بلکه می‌شد درباره جزئیات آن و اصلاح بندهایی که منافع ملی را بیشتر تامین کند هم گام‌های اساسی‌تری برداشت. بالاخره وقتی قطعنامه شورای امنیت تصویب می‌شود، آن هم قطعنامه‌ای که بخش زیادی از پیش‌نویس آن با همکاری طرف ایرانی آماده شده است، طبیعتا عمل نکردن به این قطعنامه هزینه‌هایی هم به همراه خواهد داشت و به نوعی می‌تواند نقض برجام هم تلقی شود، چراکه ضمیمه A قطعنامه، همان برجام است که مورد تصویب قرار گرفته است. بنابراین اگر پیش از تصویب قطعنامه با این تعجیل، بندهای آن‌که می‌تواند کشور را دچار مشکل کند، در مجاری داخل کشور دنبال می‌شد و نظرات نهادهای نظامی و امنیتی کشور اخذ می‌شد، آن وقت باید با بخشی از تعهدات تسلیحاتی، سختگیرانه‌تر برخورد می‌شد. بذرپاش درباره قطعنامه ۲۲۳۱ و موضوع بازگشت‌پذیری تحریم‌ها در این قطعنامه اظهارداشت: موضوعات مطرح شده در قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل و بند ۱۲ آن یا همان مکانیزم ماشه که به نوعی برگشت‌پذیری تحریم‌ها را در پی دارد، اینگونه است که با ادعای یکی از کشورهای مدعی، این کشور می‌تواند با اصرار بر خواسته خود بدون هیچ‌گونه مزاحمی در مقابلش، همه تحریم‌های تعلیق شده یا احیانا لغو شده را در کسری از زمان برگرداند.

ادامه در صفحه ۱۱

بازگشت همه به‌سوی اوست

همکار گرامی جناب آقای سیدکاظم ساجد

مصیبت وارده را به جنابعالی تسلیت عرض نموده؛ برای آن مرحوم غفران و برای شما و خانواده محترم صبر و اجر از درگاه احدیت مسألت داریم

وطن‌امروز

نگاه

توافق خسته‌ای!

■ حسین قدیانی ■

دولت اسبق و سابق و فعلی و آینده ندارد. تا سایه ولی‌فقیه بر سر این ملت بلند است، یک امهاتی هست که فقط ربط به «جمهور» دارد. از جمله این امهات «انرژی هسته‌ای» است که به کوری چشم دشمن و دشمن‌پرست، حق مسلم ملت ما باقی خواهد ماند ان‌شاءالله. خدایی که من می‌شناسم؛ حالا صبر کن! اجازه نخواهد داد یک قطره از خون یک شهید هسته‌ای هدر رود. آنچه از هر توافقی بالاتر است، دست خداست. بگذریم که «توافق هسته‌ای»، «توافق خسته‌ای» به نظر می‌رسد! این سوی میز، برداشت آن سوی میز را قبول ندارد و بالعکس! توافق، یکی است اما به جای «المیزان» شاهد تفاسیری هستیم بس «نامیزان» بلکه ۱۸۰ درجه مغایر هم! این مهم حکایت از چه دارد؟ آیا نگارنده را قصد بر آن است که جان‌کری را خدای نکرده به دروغگویی(!) متهم کند یا استغفرالله، مردمان این سوی میز را؟ عجالتا هیچ‌کدام! پس این همه تفسیر متضاد، حکایت از چه دارد؟ جز آنکه توافق به لحاظ حرفه‌ای «تفسیرپذیر» تنظیم شده؟ توافق، متضمن نفع ایران باشد یا آمریکا یا هر دو یا هیچ‌کدام، اساسا «نافرم» است؛ نافرم است که این سوی میز، تفسیر خود را ارائه می‌دهد، آن سوی میز، حرف خودش را می‌زند! انصافا بر چنین چیزی، نام «توافق» می‌توان گذاشت که حالا سر خوب یا بد بودنش دعوا کنیم؟ گمانم دعوا در «پله دوم» بی‌فایده است! باید به همان «پله اول» برگشت و به «مرور بدیهیات» نشست تا ببینیم اصلا نام آنچه آورده شده را می‌توان «توافق» گذاشت؟ اگر می‌توان، پس چرا هیچ تفسیری از توافق، موید هیچ تفسیر دیگری از توافق نیست؟ مگر نه آن است که هر توافقی باید آدابی داشته باشد؟ بی‌تعارف، یک عقد ساده میان فلان داماد از «عشایر قره‌چورلو» و بهمان عروس از «عشایر اصانلو» صدها پله از این «مثلا توافق هسته‌ای» محکم‌تر است! صرف‌نظر از اصل و اساس انشای نوشته شده، شعار «هر توافقی...» خشت اول اما خشت کجی بود که این چنین معوج کرده «ثریای توافق» را! با این شعار، معلوم بود که توافق هم بشود، باز نتیجه ایده‌آل حاصل نمی‌شود! «خوشبین نبودن به نتیجه مذاکره با آمریکا» امروز دارد علت‌العلل خود را نشان می‌دهد! امروز... و در این همه تفسیر متفاوت از توافق، که هر یک ناقض آن دیگری است! «من به نتیجه مذاکره با آمریکا خوشبین نیستم» نه از آن رو بیان شد که احتمال توافق با آمریکا را نمی‌داد، بل بدان علت بیان شد که روزگار پس از توافق، یعنی همین کشمکش‌ها را در «خشت خام» و به «محک تجربه» می‌دید. اتفاقا بارها فرموده شد؛ «احتیاج آمریکا به مذاکره، ایضا به توافق، بیش از نیاز ماست». خود همین یعنی از نظر بزرگان، نیل به توافق، خیلی هم امر غیرممکنی نبوده و نیست. اینکه حالا «شیطان بزرگ» است! آدمی حتی می‌تواند به راحتی آب خوردن، با خود «شیطان رجیم» هم توافق کند! منتهای مراتب، خوش‌خیال، آن کسی است که فکر کند با این قبیل توافقات، شیطنت شیطان، تمام می‌شود! وقتی دیروز بزرگان، علنی سخن خود را بیان کردند، دبه درآوردن‌های مکرر دشمن در همین امروز را می‌دیدند که اولا وسط مسابقه، مبادرت به تعویض اسب می‌کند، ثانیا با مردمان مذاکرات، سخن به زبان تهدید می‌گوید، ثالثا تعهد به هیچ چیز، حتی به وعده سر خرمن خود ندارد. باورم هست آحاد ملت هم، خوشبین به نتیجه مذاکره با یانکی‌ها نبودند و الا می‌شدند حکایت این «گروهک جشن‌سرخود شادی‌اولی»، رفتار و گفتار سبک از خود بروز می‌دادند! با این همه، کاش همان دیروز «ملاحظات حکیمانه» رعایت می‌شد بلکه امروز شاهد این همه تفسیر به رای و این همه بدعهدی نمی‌بودیم، آن هم در شرایطی که هنوز جوهر قلم توافق خشک نشده! دیروز جمع می‌شد این بساط، امروز مجبور نبودیم زیر بار توافقی برویم که اوباما در وصفش بگوید؛ «به هیچ وجه لازم نیست آمریکا توافق هسته‌ای با ایران را متوقف کند، چون رئیس‌جمهور بعدی، با وجود این توافق، گزینه‌های بیشتری برای فشار علیه ایران خواهد داشت». وقتی فرزانه‌ای در مایه‌های آیت‌الله جوادی از سر خیرخواهی، این مردمان را به شمارش انگشتان دست، بعد از مصافحه با شیطان بزرگ توصیه کردند، ترجمان دیگری بود از همان عدم خوشبینی! صدالبته هنوز بازی تمام نشده! بر شورایعالی امنیت ملی، نیز مجلس محترم شورای اسلامی فرض است که به «وظیفه انقلابی» یعنی «تکلیف عاقلانه» خود عمل کنند، لیکن به راستی ما باید تفسیر چه کسی از این توافق مثلا هسته‌ای را باور کنیم؟! تفسیر این مردمان خودمان یا آن نامردمان بدزبان؟! حضرات اگر می‌فرمایند؛ «دشمن دروغ می‌گوید» پس اولا چرا به همین دشمن کذاب، لقب «مودب» می‌دهند؟! ثانیا چرا علی‌الدوام می‌خواهند دماغ دراز این دشمن دروغگو را عمل جراحی کنند، بلکه شیطان بزرگ را نزد ملت ایران، «بزک» کرده باشند؟! ثالثا کدام دشمن دروغگو، به کدام عهد خود وفا کرده که آمریکا دومی‌اش باشد؟! رابعا چطور ما به همین دشمن، همین لقب «دروغگو» را می‌دهیم، انگ‌های رنگارنگ دشت می‌کنیم؛ «دوره شعار دادن علیه دشمن گذشته»، «با جامعه جهانی(!) باید کنار آمد»، «کشور را با شعار دادن علیه آمریکا نمی‌توان اداره کرد» و... لیکن خودشان آزادند هر جا به نفع‌شان بود، دشمن را «باادب» بخوانند، هر جا به نفع‌شان بود «دروغگو»؟! نکند این بود، آنچه به آن «اعتدال» می‌گفتند؟! و اگر می‌فرمایند؛ «ملاک، تفسیر ما از توافق است، نه تفسیر راست یا ناراست دشمن»، لاجرم این مهم را نیز باید توضیح دهند که آیا سازمان ملل، شورای امنیت و شورای حکام آژانس، حرکت براساس تفسیر ایشان می‌کنند یا تفاسیر مطروحه آن سوی میز؟ البته پاسخ، کاملا روشن است! این نهادهای خیر سرشان بین‌المللی، به گواهی همین قطعنامه هفته پیش، ۱۰۰ سال سیاه، منافع مشترک کاخ سفید و اسرائیل را فدای احدالناسی نخواهند کرد! راه رفتن به سیاق «کدخدا» درجه آخر منتهی می‌شود به همین برداشت‌های متناقض، من اما چاره کار را رجوع دوباره می‌دانم به اندیشه و آرمان «روح خدا». همه باید به «خمینی» برگردیم، بویژه آنها که داعیه‌دار «خط امام» هستند! اگر «عالم، محضر خداست»، «جمهوری اسلامی، محضر روح خداست». در محضر روح خدا، آیا زیبنده است تن به توافقی دهیم که فلان دستاورد مهم کشور را ۲۵ سال، معطل خود کند، بهمان دستاورد مهم دیگر را ۱۰ سال؟! این یکی، نه نقد ما به توافق که جمله یکی از همین مردمان مذاکرات است؛ «برای تسلیحات، باید مورد به مورد اجازه بگیریم»! واقعا چرا؟ در محضر روح خدا، با آن همه سر نترس و سودای انقلابی، واقعا چرا باید برای «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه» اجازه از اجنبی بگیریم، آن هم مورد به مورد؟! خیلی دوست دارم بدانم در ازای این امتیاز ممتاز و متمایز، متقابلا ما چه چیزی از دشمن گرفته‌ایم؟ این امتیاز را که دشمن اصلا سخن از «لغو تحریم» نمی‌گوید، بلکه علی‌الدوام می‌گوید؛ «تعلیق تحریم»؟! یا این امتیاز را که دشمن اصلا سخن از «تعلیق همه تحریم‌ها» نمی‌گوید، بلکه علی‌الدوام می‌گوید؛ «تعلیق قطره‌چکانی بخشی از تحریم‌ها»! یا این امتیاز را که دشمن «تعلیق قطره‌چکانی بخشی از تحریم‌ها» را هم منوط یعنی مشروط کرده به راستی‌آزمایی آژانس؟! اخیرا از قول جناب آقای دکتر... چیز عجیبی خواندم؛ «روز اجرای توافق، آن روزی است که تحریم‌ها برداشته شود»! عجبا! قلم در دست ماست اما بازی با کلمات و جملات را ایشان انجام می‌دهد! «تحریم‌ها باید در همان روز امضای توافق و به شکل کامل لغو شود» کجا و این جمله فخیمه کجا؟! براساس این جمله، اگر تحریم‌ها ۳۰۰ سال بعد از توافق هم برداشته نشود، هیچ خرده‌ای نباید به هیچ‌یک از افراد این سو یا آن سوی میز مذاکره گرفت. کاش فقط با کلمه بازی می‌شد، گاه دستاورد شهریاری شهید هم مشمول همین بازی‌ها می‌شود! «سیاست» ممکن است «امر خوبی» باشد اما وای از «سیاست‌بازی» و «توافق» ای‌بسا «چیز بدی نباشد» لیکن وای از «توافق‌بازی»! توافق‌بازی یعنی «مذاکره برای مذاکره» یا «مذاکره برای صرف توافق» و نه «مذاکره برای نیل به یک توافق خوب که در آن، همه تحریم‌ها در همان روز امضای توافق به شکل کامل لغو شود». در محضر روح خدا، عشق است بند بند صحیفه نور امام، نه بندهای توافقی که حتی موافقانش هم مکرر اعتراف کرده‌اند هیچ نباید از آن انتظار معجزه داشت! این هم لابد نوع خاصی از تدبیر است؛ «آدمی توافقی را خوب، حتی مبارک بخواند، لیکن متوقع باشد ملت هیچ توقعی از آن نداشته باشد!» همه جور توافقی را دیده بودیم الا توافق خوبی که در «مقام اجرا» خیلی هم نباید از آن متوقع بود! اینک ۲ پرسش مطرح می‌کنم، به امید شنیدن جوابی فراخور سوالات مطروحه.

یکم؛ اگر توافق، خوب است و قابل تبریک، پس چرا بعضی‌ها این همه هراس دارند از بالا رفتن سطح توقعات؟! این هم آن توافق، توافق، توافقی که شبانه‌روز دنبالش بودند! حالا دیگر بهانه چیست؟ واقعا اگر بناست توافق، هیچ معجزه‌ای نکند، یعنی در «روز عمل» هیچ گره قابلی را باز نکند، پس چرا از اصل و فرع آن، با عنوان «توافق خوب» یاد می‌کنند؟! پس چرا ۲ سال تمام، همه تخم‌مرغ‌های خود را در سبد این توافق کذایی گذاشتند و تقریبا همه امور ملت را معطل سیاست خارجه نگه داشتند؟!

دوم؛ اگر توافق، علاوه بر آنکه خوب است و قابل تبریک، «فتح‌الفتوح»تر از حماسه خرمشهر هم تشریف دارد، عالیجنابان بفرمایند دیگر چرا مایه از صلح امام حسن علیه‌السلام می‌گذارند؟! عاقبت، در دوقدمی قلعه یهودیان به سر می‌برند یا دوران تلخ‌کامی صدر اسلام؟!

چیزهای زیادی هست که دیپلمات‌ها باید از انقلابی‌ها بیاموزند، من‌جمله همین انشا نوشتن! انقلابی، زرنگ‌تر از این حرف‌هاست! نه زیر حرف می‌ماند، نه زیر برف! پدر رفته بود جنگ... و تنهایی انشا نوشتن، نسل مرا «مرد» بارآورد! ما ندادیم انشای خود را پدر برای‌مان بنویسد، چرا که او اردیبهشت ۶۱ در جاده جهنمی اهواز - خرمشهر، کارهای مهم‌تری من‌جمله «شهادت» داشت! نسل من، از تبار «احمدی‌روشن» است. فی‌الحال از «روح خدا» مسیحایی‌ترین ارثی که به ما رسیده «صحیفه‌نور» است. هر از چند گاه، تورقی می‌کنم صفحاتی از این مجموعه را. آخرین بار، ۱۰ روز پیش بود. مداقه‌ای کردم روی نزدیک ۲۰ صفحه از صحیفه. شب قبلش «صحیفه سجادیه» مرا با «چگونه دعا کردن» آشنا کرده بود؛ شب فوق‌الذکر، «صحیفه‌نور» مرا با «چگونه ادعا کردن». آری! ادعاها داشت خمینی! ادعاهای همراه با عمل! این نبود که چون «پیرمردان منور» فقط اهل دعا باشد کنج خرابات، احیانا تسبیحی بچرخاند، ذکری بگوید و والسلام! خمینی «جهانی بنشسته در گوشه‌ای» نیز نبود؛ بنشسته در گوشه‌ای، جهان را متحول کرد! بی‌چاره‌های زنجیره‌ای، یک جا هم خواستند واقعا از امام «تعریف» کنند، باز فروافتادند در چاه «تحریف»! ادعا داشت خمینی، سیلی حیدری بخواباند بر صورت شیطان بزرگ، بلکه علی‌الدوام تحقیرش کند! نیمه خرداد ۴۲ خمینی جز خدا چه کسی را داشت که یک‌تنه، علیه آن شاهک آمریکایی به مبارزه برخاست، هر روز بیشتر از روز قبل، تحقیرش می‌کرد؟! «آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند» یعنی تحقیر ابلیس! ادعا داشت خمینی، «ما اگر از صدام بگذریم، از آل‌سعود نخواهیم گذشت!» امام که پای داعیه‌اش ایستاد بماند، حتی تاریخ هم صحه گذاشت بر صحیح بودن ادعای صحیفه! تیتر یک مشهور، محبوب و انقلابی «خبر مرگش» اگر چه به نام «وطن امروز» تمام شد، لیکن صادقانه اعتراف می‌کنیم آن ۲ کلمه حرف حساب، نور صحیفه روح‌الله بود که بر دل روزنامه ما تابیده شد! در خشت خام دیروز، چه می‌دید خمینی؟ همین امروز را! خامنه‌ای هم دیروز، دبه درآوردن‌های متوالی همین امروز را می‌دید که هیچ خوشبین نبود به مذاکره! مردان بزرگ، سخن نمی‌گویند الا به حکمت! خیلی هم محتاج حرکت نیستند! این، رئیس‌جمهور بی‌ادب و بی‌هوش یانکی‌هاست که هی از این کشور به آن کشور می‌رود، لیکن ابرمرد چفیه به دوش ما، بنشسته در حسینیه امام خمینی، تنها و تنها با یک جمله آن هم غیرمستقیم، ضمن متوجه کردن آمریکا از ابعاد نامعلوم حمله نظامی به شام، رسما شیطان بزرگ را کوچک و از جنگ علیه سوریه منصرف می‌کند! صحیفه نور، مال دیروز است، لیکن برای به روز بودن، گاه هست که باید دیروز را بخوانی، آن هم دقیق و عمیق، بلکه فردایت لنگ عصای جان‌کری نشود! تو خمینی را بخوان، خوب و بد هر توافقی، خودش را نشان می‌دهد! «صحیفه نور» به ما می‌گوید: «اساس این فرآیند که آدمی برای گرفتن بدیهی‌ترین حق خود بخواهد قید حقوق ای‌بسا مهم‌ترش را بزند، اشتباه است». در اینگونه مواقع، تجربه نشان داده آدمی از حقوق مهم‌ترش می‌گذرد، لیکن به آن حق مدنظر نیز آنطور که فکرش را می‌کرد، نمی‌رسد!

ادامه در صفحه ۱۱